

بررسی و تحلیل معیارهای تشخیص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از مدعیان و ارزیابی و نقد دیدگاه‌های مقابلحسن ملائی شهرستانی^۱محمد ذوقی هریس^۲**چکیده**

شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تمییز ایشان از مدعیان دروغین، از بنیادی‌ترین مسائل مهدویت است. این تحقیق با روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به منابع روایی و متون کلامی شیعه، معیارهای تشخیص امام را ذکر کرده و دیدگاه‌های مقابل را مورد نقد قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نص - اعم از نص الاهی، نص نبوی و نص امام سابق، معجزه، علم غیب و ودایع امامت به عنوان معیارهای پذیرفته شده در دیدگاه شیعه در این زمینه هستند. تفکیک بین مقام ثبوت و مقام اثبات در صفات و خصوصیات امام در این بحث از اهمیت خاصی برخوردار است. با این تفکیک، ویژگی‌هایی مثل عصمت، افضلیت و طهارت مولد؛ اگرچه در مقام ثبوت ضروری‌اند؛ به خاطر مخفی بودن آن‌ها، در مقام اثبات و تشخیص امام نمی‌توان به آن‌ها تمسک کرد. این معیارها، دارای ماهیت طریقی و ابزاری هستند نه موضوعی و ذاتی. بنابراین، احراز یکی از این طرق و حصول اطمینان، برای شناخت امام کافی است و التزام به تحصیل همه راه‌ها ضرورتی ندارد.

واژگان کلیدی: راه‌های تشخیص امام، نص، معجزه، علم غیب، ودایع امامت.

۱. دانش پژوه سطح ۴ مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، ایران. (نویسنده مسئول) h.mollaihashrestanaki@gmail.com

۲. استاد حوزه علمیه قم و عضو گروه علمی مرکز تخصصی کلام امام صادق علیه السلام قم، ایران. Mohammadzoghi 16252@gmail.com

مقدمه

مسئله امامت از مهم‌ترین مسائل اسلامی به شمار می‌رود (شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۳۱) و محوری‌ترین اعتقادات شیعه محسوب می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۳، ص ۵۱-۵۲). اهمیت جایگاه امامت و ضرورت شناخت امام (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۹۲)؛ موجب شده است شیعیان همواره در پی شناخت امام برآیند. در این خصوص، همواره از ائمه علیهم‌السلام درباره امام بعدی پرسش می‌کرده و از ایشان راهنمایی می‌طلبیده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۷۴).

امروزه ضرورت بحث از راه‌های تشخیص امام دو چندان شده است؛ چرا که از سویی باید امام حق را با معیارهای صحیح شناخت و از سوی دیگر، باید با همین معیارها، ادعای مدعیان دروغین را رد کرد و جامعه را از گزند آنان مصون داشت.

در بررسی پیشینه تحقیق، باید به روایات ائمه علیهم‌السلام و آثار متکلمان شیعه اشاره کرد که معیارهای تشخیص امام را تبیین کرده‌اند. از آثار موجود در این زمینه می‌توان به مواردی اشاره کرد: «معیارهای شناسایی مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌و‌ج‌القول و تمایز آن از مدعیان دورغین»، اثر محمد شهبازیان، در سه بخش به تبیین بحث پرداخته است. نگارنده بخش نخست کتاب را به کلیات اختصاص داده است. در بخش دوم معیارهای تشخیص امام را ذکر می‌کند و در بخش پایانی کتاب، از مدعیانی که از این معیارها برای ادعای خود استفاده کرده‌اند؛ بحث می‌کند. همچنین مقالاتی مانند «شیوه‌های تشخیص امام در عصر حضور»، اثر مصطفی صادقی (صادقی، ۱۳۹۴: ص ۴۷-۶۶)؛ و دو مقاله «معیارهای شناخت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌ج‌القول هنگامه ظهور» (آیتی، ۱۳۹۸: ص ۵-۳۰) و «درآمدی بر معیارهای شناخت امام» (آیتی، ۱۳۹۸: ص ۵-۲۸) از نصرت‌الله آیتی به این موضوع پرداخته‌اند. با اذعان به تلاش پژوهش‌های مذکور در تبیین بحث، نمی‌توان از کاستی‌های آن‌ها چشم‌پوشی کرد. گاهی بین علائم ظهور و بین معیارهای شناخت امام خلط شده است. استنادها و برداشتها در برخی موارد دقیق نیست. همه جوانب موضوع و معیارها را به طور جامع مورد بررسی قرار نداده و گاهی بین مقام ثبوت و مقام اثبات در بایستگی‌های امام تفکیک قائل نشده‌اند و اموری مثل عصمت و شجاعت را از معیارهای تشخیص امام تلقی کرده‌اند. در کتاب مذکور، برخی از معیارها مثل نص به طور دقیق و جامع تبیین نشده است.



همچنین کتاب پیش گفته غالباً به تبیین معیارها پرداخته؛ اما در تطبیق آن‌ها بر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ موفق نبوده است. مقاله نخست صرفاً به معیارهای شناخت امام در عصر حضور پرداخته است؛ دو مقاله دیگر عمدتاً با رویکرد روایی بحث را پیش برده و به منابع کلامی کم‌تر توجه کرده‌اند. نگارنده در این مقاله سعی دارد تا اشکال‌ها و کاستی‌های مورد اشاره پژوهش‌های پیشین را برطرف و بحث جامعی ارائه کند.

راه‌های تشخیص امام منصوب از جانب خداوند

شیعه امامیه تعیین امام را منحصر از شئون الاهی دانسته و این حق را مختص خدای متعال می‌داند (ابن بابویه، ۱۴۱۸: ص ۲۵-۲۶؛ طوسی، ۱۴۱۳: ص ۸۴؛ حلی، ۱۳۸۶: ص ۴۷۳؛ سیوری، ۱۴۲۲: ص ۳۲۵-۳۲۶ و نباطی بیاضی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۶۳). بر این اساس، حتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز حق تعیین امام را بدون اذن الاهی ندارند.

امامیه، ادله متعدد عقلی و نقلی بر این مطلب اقامه کرده‌اند. دلیل عقلی نخست بر توحید در مالکیت مبتنی است. امامت بر مردم، تصرف در حقوق آن‌ها را در پی دارد. توحید در مالکیت حق تصرف را مختص خدای متعال می‌داند؛ زیرا خداوند مالک مطلق است و غیر او کسی حق مالکیت ندارد. بنابراین، باید خداوند اذن در تصرف بدهد و کسی را به عنوان امام و خلیفه برگزیند. کلامی بودن مسئله امامت، به عنوان دلیل عقلی دوم ذکر شده است. آیت الله جوادی آملی با استناد به کلامی بودن مسئله تعیین امام، آن را فعل الاهی و مختص خداوند می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ص ۲۴). در روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز مخفی بودن صفات امام مثل عصمت و افضلیت، به عنوان دلیل عقلی دیگری بر ناتوانی مردم از انتخاب امام بیان شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۹۹ و ۱۳۲؛ همو، ۱۳۷۶: ص ۶۷۷ و کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۴۹۵).
ادله نقلی نیز درباره مسئله مذکور وجود دارد. آیه شریفه ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾ (قصص: ۶۸)؛ حق انتخاب را از مردم سلب می‌کند. در روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، امامت از مصادیق این آیه معرفی شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۵۶؛ ابن طاووس، ۱۴۰۰: ج ۱، ص ۹۷ و خزاز، ۱۴۰۱: ص ۱۹۹-۲۰۰).



در روایات ذیل آیه شریفه «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ» (آل عمران: ۱۲۸)؛ «امر» در آیه به امامت امیرالمؤمنین علیه السلام تفسیر شده و دخالت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در تعیین امام را نفی کرده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۹۷-۱۹۸). آیات مذکور - با توجه به روایاتی که در ذیل آن‌ها نقل شده است - بر نفی حق اختیار امام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلالت دارد.

همچنین روایات متعددی بر منحصر بودن حق تعیین امام به خداوند متعال و نفی آن از جانب پیامبر و امام، دلالت دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز دعوت به اسلام، در پاسخ قبیله بنی عامر که واگذاری خلافت و امامت بعد از پیامبر را به آن‌ها شرط پذیرش اسلام قرار دادند؛ به صراحت فرمود: «الأمير إلى الله يضعه حيث يشاء» (حمیری، ۱۹۶۳: ج ۲، ص ۲۸۹ و حلبی، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۴). همین درخواست و پاسخ از جانب پیامبر در دعوت برخی افراد (ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۵، ص ۲۷۶) و قبایل دیگر (دمشقی، ۱۹۷۱: ج ۲، ص ۱۵۹) تکرار شده است.

روایات دیگری نیز وجود دارد که هرگونه دخالت غیر خدا حتی نبی و امام را در تعیین امام نفی می‌کند (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۶۹۳ و ۶۹۵ و شریف مرتضی، ۱۴۱۸: ص ۱۲۰).

پس از پذیرش اصل الهی بودن تعیین امام، مسئله تشخیص امام منصوب از جانب خدای متعال مطرح می‌شود. باید بین مقام تعیین که منحصراً در حیطه اختیارات الهی است و مقام تشخیص که راه‌کارهای شناخت امام را شامل است؛ تفکیک قائل شد و باید راه‌های کشف اراده الهی در جعل امام را به دست آورد و از این طریق امام منصوب از جانب خداوند را شناخت.

اگرچه تفکیک بین مقام تعیین و مقام تشخیص امام، در عبارات برخی از متکلمان به خوبی دیده می‌شود؛^۱ در برخی دیگر از آثار کلامی بین طریق تعیین و راه‌های تشخیص امام خلط

۱. برای نمونه مرحوم شبر بعد از بیان وجوب جعل امام بر خداوند و ذکر ادله آن، نص نبی یا امام پیشین، معجزه و افضلیت را سه راه شناخت امام می‌داند (شبر، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۱۸۳-۱۸۹). شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در اصل سوم از اصول شیعه که آن را به مسئله امامت اختصاص داده است؛ نص نبی را راه اعلام امامت معرفی کرده و در این باره می‌نویسد: «و عرفت أن مرادهم بالإمامة كونها منصبا إلهيا يختاره الله بسابق علمه لعباده كما يختار النبي وأمر النبي بأن يدل الأمة عليه و يأمرهم باتباعه، و يعتقدون أن الله سبحانه أمر نبيه بأن ينص على علي و ينصبه علما للناس من بعده» (کاشف الغطاء، ۱۴۱۳: ص ۶۸).

صورت گرفته و راه‌های تشخیص به عنوان طریق تعیین امام ذکر شده است - که تبیین لزوم تفکیک بین این دو مقام مجالی دیگر می‌طلبد - از این رو، نص نبی، و امام سابق و معجزه را طریق تعیین امام دانسته‌اند.^۱ بنابراین، در مقاله حاضر با فرض تفکیک بین این دو مقام بحث را پی می‌گیریم.

در روایات معصومان علیهم‌السلام و آثار متکلمان شیعه راه‌هایی برای شناخت شخص امام ذکر شده است. هر یک از این راه‌ها را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. نص بر امامت

«نص» به عنوان طریق اصلی، بهترین و راحت‌ترین راه برای شناخت امام ذکر شده است. شیخ طوسی نص را راه اصلی شناخت امام می‌داند: «فصار النص هو الأصل» (طوسی، ۱۴۰۶: ص ۳۱۳)؛ علامه مجلسی نیز نص را ظاهرتر و آسان‌تر دانسته است:

«آنکه از همه ظاهرتر و آسان‌تر است و مناسب لطف و مرحمت و حکمت الاهی است آن است که چنانچه دانستی نص حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است بر امامت احدی از امت و نص امام سابق بر امام لاحق» (مجلسی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۷).

مرحوم شبّر نص را اولین راه معرفت امام ذکر کرده و می‌نویسد: «و هذا الطريق أسهلها وأظهرها وأنسب بلطف الله بعباده» (شبّر، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۱۸۹).

۱. برای نمونه، علامه حلی در طریق تعیین امام می‌نویسد: «ذهبت الإمامية كافة إلى أن الطريق إلى تعيين الإمام أمران النص من الله تعالى أو نبيه أو إمام ثبتت إمامته بالنص عليه أو ظهور المعجزات على يده» (حلی، ۱۹۸۲: ص ۱۶۸). مرحوم حمصی رازی نیز در مقام تعیین امام، معجزه را طریق جایگزین برای تعیین امام دانسته است: «فأما الطريق إلى تعيين الإمام فعندنا إنما هو النص من جهة تعالى عليه أو ما يقوم مقامه من المعجز». البته وی در ادامه، نص نبی و معجزه را راهی برای تشخیص امام می‌داند: «و الذي يدل على صحة ما ذهبنا إليه هو ما قد دللنا عليه من وجوب عصمة الإمام، و العصمة لا طريق إلى معرفتها إلا إعلام الله تعالى بالنص على لسان نبي صادق أو بإظهار معجزة على الإمام نفسه» (حمصی رازی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۲۹۶). عبارت فاضل مقداد نیز این چنین است: «اختلف الناس في الطريق إلى تعيين الإمام بعد اتفاقهم على أن النص من الله أو من النبي أو من إمام قبله طريق إلى ذلك» (سیوری، ۱۴۲۰: ص ۱۵۹ و ر.ک: شوشتری، ۱۳۶۷: ص ۴۲).

نص، به نص از جانب خدای متعال اختصاص ندارد و نص نبی و نص امامی را که امامت او ثابت شده است، را نیز شامل می‌شود (طوسی، ۱۴۱۳: ص ۸۴)؛ زیرا در همه این اقسام از نص، کشف قطعی اراده الاهی در تعیین امام صورت گرفته و راهی برای شناخت امام به شمار می‌رود. علامه حلی در انوار الملکوت، نص نبی و امام را ذکر کرده (حلی، ۱۳۶۳: ص ۲۰۸) و مرحوم عبیدلی در جهت تکمیل کلام علامه، نص از جانب خدای متعال را اضافه کرده است و می‌نویسد: «و هاهنا قسم آخر لم یذکره دام ظلّه و هو النصّ من الله تعالی کما نصّ تعالی علی علی علیه السلام فی قوله: اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ الْآیَةُ» (عبیدلی، ۱۳۸۱: ص ۴۸۳).

یکی از امامت پژوهان معاصر، مراد از نص در معرفت امام را چنین تبیین کرده است: مراد از «نص»، اعم از هر دلیلی است که امامت شخص را اثبات کند؛ یعنی برای شناخت امام الاهی به دلیل نیاز داریم. این دلیل، یا آیه قرآن و روایت است و یا ظهور معجزه به دست امام الاهی؛ چرا که معجزه گواه صدقی بر امامت اوست؛ به همان سان که شاهد صدق مدعی نبوت است (حسینی میلانی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۳۷).

نص بر امامت از یک منظر به دو قسم تقسیم می‌شود: «نص عینی» و «نص اسمی». مراد از نص عینی، نص بر شخص امام است که با آن، شخص امام برای دیگران معرفی می‌شود، اما در نص اسمی معرفی شخص نیست و فقط اسم و یا خصوصیتی از امام ذکر می‌گردد (الخبار القطیفی، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۲۸). معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر، از قبیل نص عینی بر امامت ایشان است^۱ و احادیث قدسی که به معرفی خلفای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته (خزاز، ۱۴۰۱: ص ۱۴۴-۱۴۵ و ۱۶۹) و یا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر اسم و عنوان آن‌ها اشاره کرده است (همان: ص ۱۹۵)؛ از قبیل نصوص اسمی هستند.

نص عینی هیچ گونه ابهامی برای شناخت امام باقی نمی‌گذارد؛ چون شخص امام برای دیگران معلوم و مشخص می‌گردد؛ اما با نص اسمی بدون ضمیمه کردن ویژگی‌های دیگر،

۱. مصادیق دیگری نیز برای نص عینی وجود دارد؛ مانند نص امام صادق علیه السلام بر امامت موسی بن جعفر علیه السلام بعد از خودش (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۶۳-۶۶) و نص امام هادی علیه السلام به امامت امام عسکری علیه السلام (همان، ص ۱۱۳) و نصوص دیگری که برای سایر ائمه علیهم السلام روایت شده است.

نمی‌توان مصداق امام را مشخص کرد. زیرا احتمال خطا و اشتباه وجود دارد. چنان‌که برخی از مدعیان با تطبیق اسم برخی از ائمه علیهم‌السلام بر خود، ادعای امامت و مهدویت کرده‌اند. بنابراین، نص اسمی برای کسانی مفید است که بعد از یقین به اصل صدور نص، شخص منصوص علیه را بشناسند تا هرگونه خطا و اشتباه مرتفع گردد و یا این‌که در کنار نص بر اسم، به خصوصیات دیگری اشاره شود تا انحصار در مصداق صورت گیرد. مناظره امام رضا علیه‌السلام با جاثلیق، برای اثبات نبوت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به همین شیوه بود. ابتدا بشارت حضرت عیسی علیه‌السلام به پیامبری به نام «محمد» را ذکر کردند و سپس با ضمیمه کردن خصوصیات که در انجیل برای این پیامبر بیان شده، مصداق «محمد» را به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منحصر دانستند (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۵).

با توجه به این‌که حضور در مجلس معرفی امام، توسط نبی یا امام سابق و مشاهده مستقیم آن، شرط اساسی و لازم برای نص عینی است، این نص صرفاً برای حاضران در این مجلس مفید خواهد بود؛ اما برای کسانی که در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام توفیق حضور در این مجالس را نداشته‌اند و همچنین شیعیان عصر غیبت، کارآیی نخواهد داشت و باید راه دیگری برای شناخت امام برگزینند. البته حکایت و نقل نص عینی توسط افراد مورد وثوق حاضر در این مجالس - به شرط این‌که اطمینان آور باشد - نیز می‌تواند راهی برای شناخت امام قرار بگیرد؛ اما از دایره تعریف نص عینی خارج خواهد شد. در این صورت باید آن را راه مستقلی به نام «نقل موثق اطمینان آور» نامید.

با توجه به این‌که برای امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌وآمنه‌وآخرویه‌وآله‌وسلم خصوصیات شخصی و شخصیتی متعددی در روایات ذکر شده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۱۲-۲۴۳ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ص ۳۴-۴۴) با ضمیمه کردن آن‌ها به نص به امامت ایشان، انحصار مصداق صورت گرفته و شناخت شخص امام ممکن خواهد بود. بنابراین، اختصاص نص به دوره حضور و سخن از عدم کارآمدی آن در عصر غیبت (آیتی، ۱۳۹۸: الف، ص ۲۶-۲۷؛ و همو، ۱۳۹۸: ب، ص ۶)؛ قابل پذیرش نخواهد بود.^۱

۱. برخی از آثار موجود، به تفصیل، از ویژگی‌های شخصی و شخصیتی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌وآمنه‌وآخرویه‌وآله‌وسلم بحث کرده (شهبازیان، ۱۴۰۱: ص ۳۱۱-۳۴۸)؛ اما درباره شیوه تطبیق آن به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌وآمنه‌وآخرویه‌وآله‌وسلم و شناخت امام از این طریق بحثی ارائه نکرده‌اند.

دلالت برخی از نصوص، مطابقی است؛ ولی برخی دیگر به دلالت التزامی بر امامت افراد دلالت می‌کند. بنابراین، مطلب بعضی از نویسندگان که جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام را با توجه به نصوصی که از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده است، امری روشن و واضح دانسته؛ ولی اموری مثل قتل عمار توسط گروه منحرفان (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۶۶) را نشانه‌ای بر حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌داند (آیتی، ۱۳۹۸: ب: ص ۲۰)؛ مورد تأمل خواهد بود؛ زیرا روایت نبوی شریف درباره قتل عمار، اخبار از انحراف گروه قاتلین عمار و نصی بر حقانیت گروه مقابل است. این روایت و واقعه‌ای که طبق آن اتفاق افتاده، به دلالت التزامی بر امامت و حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت دارد؛ چنان که مرحوم میرداماد روایت «عمار مع الحق و الحق مع عمار حیث کان» و «و اهدوا هدی عمار» را اخبار از تبعیت عمار از علی علیه السلام می‌داند (طوسی، ۱۳۹۹: ج ۲، ص ۲۱۰). بنابراین، نباید روایت اخبار قتل عمار را از دایره نصوص بر امامت و حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام خارج دانست. بعضی از متکلمان نص را اعم از لفظ به کار برده و معجزه را هم جزء نص قرار داده (حلی، ۱۳۶۳: ص ۲۰۸) و آن را نص فعلی نامیده‌اند (سیوری، ۱۴۲۲: ص ۳۳۴؛ همو، ۱۴۲۰: ص ۱۶۰). با اذعان به صحت این مطلب، بحث معجزه به تفصیل در ادامه ذکر خواهد شد.

۲. صدور معجزه

طریق دیگر در معرفت امام، اظهار «معجزه»^۱ به دست مدعی امامت است؛ یعنی اگر کسی مدعی امامت باشد و همراه با این دعوی، اظهار معجزه کند؛ از لحاظ علمی و معرفت امام، امامت وی ثابت خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۴، ص ۳۲۴).

درباره معجزه دو دیدگاه وجود دارد: برخی از متکلمان آن را از اقسام نص دانسته‌اند (حلی، ۱۳۶۳: ص ۲۰۸؛ سیوری، ۱۴۲۲: ص ۳۳۴؛ همو، ۱۴۲۰: ص ۱۱۶ و حسینی میلانی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۳۷)؛ ولی برخی دیگر معجزه را بدیل نص و جایگزین آن می‌دانند (عکبری، ۱۴۱۳: الف، ص ۴؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۵؛ همو، ۱۴۱۱: ص ۴۲۹ و شبیر، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۱۸۴).

۱. تعبیر به معجزه برای ائمه علیهم السلام معهود نیست بلکه به جای آن از واژه «کرامت» استفاده می‌شود؛ اما در اینجا به تبعیت روایات اهل بیت علیهم السلام و متکلمان که از واژه «معجزه» استفاده کرده‌اند، معجزه را به کار می‌بریم.

شیخ طوسی نص و معجزه را دو طریق معرفت شخص امام معرفی می‌کند: «فأما عين الامام وأنه زيد أو عمرو، فالعلم به قد يكون بالنص تارة وبالمعجز أخرى» (طوسی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ و همو؛ ۱۴۰۶: ص ۳۱۳). بنابر دیدگاه دوم، معجزه از اقسام نص خارج است.

شیعه امامیه، امکان اظهار معجزه به دست مدعی امامت را قبول دارد؛ زیرا مدعی امامت دعوی جایگاه الهی را دارد و خداوند با اظهار معجزه به دست او، ادعای وی را تصدیق می‌کند.^۱ شریف مرتضی در این باره می‌نویسد:

أن المعجز انما يدل على صدق دعوى يطابقها، فان ادعى مدعى النبوة فالمعجز دال على نبوته، وان ادعى إمامة فكذلك، وان ادعى صلاحا وفضلا فانما يدل على صدقه في ذلك. فلا بد من دعوى صريحة أو مستفادة في الجملة (شريف مرتضى، ۱۴۱۱: ص ۳۳۲).^۲

۱. شیخ مفید فصل دهم از فصول عشره را به پاسخ به شبهه موبوط به جواز ظهور معجزه به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص داده و ظهور معجزه را برای نبی، امام و مؤمن صالح جایز می‌داند. وی معجزات را مختص انبیا ندانسته و می‌نویسد: «لكنها ادلة على صدق الداعي الى ما دعا الى تصديقه فيه على الجملة دون التفصيل ... و ان دعا الإمام الى اعتقاد امامته كانت برهانا له في تصديقه في ذلك» (عکبری، ۱۴۱۳ق: ب، ص ۱۲۳). ابوالصلاح حلبی بعد از ذکر شرایط معجزه می‌نویسد: «فاذا تكاملت هذه الشروط فلا بد من كونه دلالة على صدق المدعي لكون هذا التصديق نائبا مناب لو قال تعالى صدق هذا فيما يؤديه عني» (حلبی، ۱۴۰۴: ص ۱۵۴). در روایات معصومان علیهم السلام نیز به علت اعطای معجزه به انبیا و ائمه اشاره شده است: «عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِأبي عَلِيٍّ أَعْطَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْبِيَاءَهُ وَ رُسُلَهُ وَ أَعْطَاكُمْ الْمُعْجِزَةَ فَقَالَ لِيَكُونَ دَلِيلًا عَلَى صِدْقِي مَنْ أَتَى بِهِ وَ الْمُعْجِزَةُ عَلَامَةٌ لِلَّهِ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا أَنْبِيَاءَهُ وَ رُسُلَهُ وَ حُجَجَهُ لِيُعْرِفَ بِهِ صِدْقِي الصَّادِقِ مِنَ كَذِبِ الْكَاذِبِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۲۲).

۲. همچنین او در الشافی به امکان ظهور معجزه به دست ائمه اشاره کرده است: «والذي يدل على جواز إظهار المعجزات على يد من ليس نبياً، أن المعجز هو الدال على صدق من يظهر على يده فيما يدعيه، أو يكون كالمدعى له لأنه يقع موقع التصديق و يجري مجرى قول الله تعالى له صدقت فيما تدعيه علي، وإذا كان هذا هو، هو حكم المعجز لم يمتنع أن يظهره الله تعالى على يد من يدعي الإمامة ليدل به على عصمته، ووجوب طاعته، و الانقياد له، كما لا يمتنع أن يظهره على يد من يدعي نبوته» (شريف مرتضى، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۹۶). وی در پاسخ به سؤال از چگونگی تشخیص خلیفه منصوب از جانب امام مهدی، اظهار معجزه را طریق معرفت معرفی کرده است و می‌نویسد: «فالمعجزات على مذاهبنا تظهر على ایدی الصالحين فضلا عن يستخلفه الامام و يقيمه مقامه» (همو، ۱۴۱۹: ص ۸۱).



آنچه از ائمه علیهم السلام درباره تصرف تکوینی در عالم و اخبار از غیب و پاسخ به سؤالات علمی افراد، برای اثبات صدق دعوی امامت، نقل شده است؛^۱ در این بخش جای می‌گیرد؛ چون همه آن‌ها از قبیل معجزات^۲ است.

در برخی از روایات به ظهور معجزات به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور برای اتمام حجت اشاره شده است (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۵۷۳ و حر عاملی، ۱۴۲۲: ج ۵، ص ۳۲۸).

۳. افضلیت امام

برخی از متکلمان شیعه «افضلیت» را نیز راهی برای معرفت امام منصوب از جانب خداوند بیان کرده‌اند. علامه مجلسی در کتاب حق‌الیقین مقصد چهارم از باب امامت را به طرق شناخت امام اختصاص داده است و می‌نویسد:

مقصد چهارم در طریق شناختن امام است و او را به چند وجه می‌توان شناخت: وجه اول [نص حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم] ... وجه دویم افضل بودن امام است از جمیع امت ... وجه سیم معجزه که مقارن دعوی امامت باشد (مجلسی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۷).

مرحوم سید عبدالله شبیر (شبر، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۱۸۹) و میرزای قمی (قمی، بی‌تا: ص ۵۱) نیز افضلیت را طریق شناخت امام به شمار آورده‌اند.

۱. شیخ حر عاملی معجزات «فعلی» و «قولی» هر یک از ائمه علیهم السلام را از منابع متعدد فریقین جمع آوری کرده است (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۲۲: ج ۳-۵).

۲. معجزات به قولی و فعلی تقسیم می‌شود. معجزات قولی، اخبار از غیب، علوم و معارف و حقایقی هست که بر انبیا و ائمه علیهم السلام نازل شده است. معجزات فعلی، تصرف در کائنات، تسخیر آن‌ها و تأثیر بر آن‌ها به قوت و ولایت تکوینی انسان به اذن الله است؛ همچون شق القمر، ابرای اکمه و ابرص و احیای موتی (حسن زاده آملی، ۱۳۹۲: ص ۶۸-۶۹). معجزه قولی بر معجزه فعلی برتری دارد «چه مشاهدین این‌ها، خالی از التباس و وسواس نیستند؛ چه این‌که حاکم در عملیات، حسن است و معبر عقل عملی، به خلاف معجزه قولیه که معبر و نقاد در آن، عقل نظری و نقاد است» (سبزواری، ۱۳۸۳: ص ۴۷۴ و میرداماد، ۱۳۶۷: ص ۴۸۱). اهل معرفت و خواص به معجزات قولی رغبت بیش‌تری دارند؛ ولی تمایل عامه مردم به معجزات فعلی است (طوسی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۳۷۲ و سبزواری، ۱۳۸۳: ص ۴۷۴).

اما برخی دیگر از متکلمان امامیه با دیدگاه مذکور مخالف‌اند. ایشان افضلیت را همانند عصمت از امور خفی دانسته و علم به شخص افضل را از طریق نص یا معجزه ممکن می‌دانند (شریف مرتضی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷؛ حلی، ۱۳۶۳: ص ۲۱۳؛ سیوری، ۱۴۲۲: ۳۳۳-۳۳۴؛ لاهیجی، ۱۳۸۳: ص ۴۸۰ و مظفر، ۱۴۲۲: ج ۴، ص ۲۵۰-۲۵۱). شیخ طوسی در استدلال بر لزوم نص بر امام می‌نویسد:

أن الامام لا بد أن يكون أفضل الخلق عند الله تعالى، وأعلامهم منزلة في الثواب، وفي حال ثبوت إمامته. وإذا ثبت كونه كذلك، ولم يمكن التوصل إليه بالأدلة ولا بالمشاهدة، وجب النص أو المعجز (طوسی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۲۷۸).

شاید بتوان بین دو دیدگاه مذکور را جمع کرد. مراد گروه اول آن است که اگر افضلیت امام، چه از طریق نصوص چه غیر آن اثبات شود؛ می‌تواند راهی برای شناخت شخص امام باشد. یعنی ابتدا افضلیت امام را با نص اثبات می‌کنیم؛ سپس افضلیت، که یکی از شرایط امام است را معیاری برای شناخت امام منصوب از جانب خداوند متعال قرار می‌دهیم. استناد گروه اول برای اثبات افضلیت به نصوص (آیات و روایات) شاهی بر این بیان است. علامه مجلسی در کتاب حق‌الیقین مقصد پنجم تا هفتم باب امامت، نصوص دال بر افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه دیگر را ذکر کرده است (مجلسی، بی‌تا: ج ۱، ص ۵۰-۲۸۷) مرحوم شبر نیز برای اثبات افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام به روایات تمسک می‌کند (شبر، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۲۱۱-۲۳۱). سایر متکلمان نیز که افضلیت را طریق معرفت امام نمی‌دانند، به همین شیوه عمل کرده و برای اثبات افضلیت ائمه علیهم السلام به نصوص تمسک کرده‌اند (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۳۸۲: ج ۳، ص ۳-۲۴؛ حلی، ۱۴۱۴: ص ۲۶۳-۲۶۹؛ بحرانی، ۱۴۰۶: ص ۱۸۲-۱۸۶؛ حلی، ۱۹۸۲: ص ۲۳۱-۲۶۲؛ سیوری، ۱۴۰۵: ص ۳۳۸-۳۷۴؛ همو، ۱۴۲۲: ص ۳۸۲-۴۰۰ و نباطی بیاضی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۱۵۱-۲۹۷).

مراد گروه دوم که افضلیت را امری مخفی دانسته و نص و معجزه را طریق به آن قرار داده‌اند، آگاهی مستقیم و بدون استناد به نص مراد آن‌هاست؛ اما اگر از طریق نصوص، علم و یقین به افضلیت حاصل شود، می‌تواند طریقی برای شناخت شخص امام باشد.

آیت الله جوادی، تنصیص را به مطابقی و التزامی تقسیم کرده و نص بر افضلیت را به دلالت التزامی، طریقی برای معرفت امام می‌داند. ایشان در این باره می‌نویسند:

راه احراز امامت امام معصوم دو چیز است؛ یکی اعجاز فعلی یا قولی مانند اخبار به غیب و دیگری نص قطعی از معصوم قبلی و این تنصیب یا به نحو مطابقه است مثل این که بگوید امام بعد از من فلان فرزندم است یا به نحو التزام با تفاوتی که در درجات لزوم است، مثل این که بگوید: فلان فرزندم افضل اهل عصر خود است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۴، ص ۲۴۳-۲۴۴).

بنابر آنچه گفته شد، باید افضلیت را از اقسام نص به شمار آورد، نه طریقی جداگانه در کنار نص. بله در صورت امکان اگر افضلیت، غیر از طریق نصوص اثبات شود، می تواند راه مستقلى در معرفت امام باشد؛ اما با توجه به این که افضلیت غیر از ابعاد ظاهری، دارای ابعاد باطنی، مثل بهره مندی از ثواب بیش تر نیز هست^۱ و کسی جز خداوند از آن مطلع نیست؛ باید برای آگاهی از آن به نص مراجعه کرد.

۴. اخلاق، کردار و روش علمی و سبک زندگی مدعی امامت

بعضی از علمای معاصر بعد از این که نص و معجزه را طریق معرفت امام ذکر کرده اند؛ راه سومى را ارائه می کنند. ایشان این راه را چنین تبیین کرده است:

سوم از راه های شناخت امام، اخلاق و کردار و روش و رفتار و وضع زندگی و صادرات علمی است، برای آنان که اهلیت تشخیص را داشته باشند و بتوانند از اخلاق و اقبال و معاشر و سلوک و گفتار و سخنرانی ها و برخوردهای گوناگون، صاحب این مقام را بشناسند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۲۴۹).

سپس ایشان می نویسد اگر افراد اهل بینش و دانش، زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام یا ائمه دیگر را دقیق و عمیق مورد مطالعه قرار دهند؛ امامت ایشان را تصدیق خواهند کرد (همان).

۱. شیخ طوسی اقسام و ابعاد افضلیت را چنین بیان کرده است: «الكلام في كون الامام أفضل من كل واحد من رعيته ينقسم قسمين: أحدهما- يجب أن يكون أفضل منهم بمعنى أنه أكثر ثواباً عند الله تعالى. و القسم الآخر أنه يجب أن يكون أفضل منهم في الظاهر في جميع ما هو امام فيه» (طوسی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۲۰۹؛ حمصی رازی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۲۸۶ و حلی، ۱۴۱۴: ص ۲۰۵).

وی در تحلیل و ارزیابی این راه دو نکته را متذکر می‌شود: اولاً، این که این راه برای خواص و اشخاص آگاه مفید است؛ و ثانیاً، الزام و تعبد فوری را به دنبال ندارد؛ زیرا ممکن است افراد عذر بیاورند که زمان بیش تری برای مجالست، معاشرت و مطالعه نیاز دارند تا برای تصدیق امام یقین حاصل شود (همان، ص ۲۵۲-۲۵۳).

در نهایت باید این طریق را بازگشت به راه افضلیت دانست؛ زیرا هدف از مطالعه زندگی و احوال یک فرد برای دستیابی به اهلیت او برای جایگاه امامت و افضلیت او از دیگران برای تصدی این منصب الهی است. پس این طریق در نهایت به افضلیت بازمی‌گردد و طریق دیگری در کنار سایر طرق معرفت امام نیست.

۵. ودایع ظاهری امامت

در روایات شیعه از اشیائی به عنوان ودایع و امانت‌هایی نام برده شده است که نزد ائمه علیهم‌السلام قرار دارد. ودایع و امانت‌هایی که از انبیای سابق و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نزد ائمه علیهم‌السلام موجود است، بر دو قسم «ظاهری» و «غیرظاهری» تقسیم می‌شود. ودایع ظاهر مثل عصای موسی، انگشتری سلیمان و پیراهن یوسف (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۵۷۳-۵۷۷ و صفار، ۱۴۰۴: ص ۱۷۴-۱۹۰) و شمشیر، پرچم ظفربخش، زره و عمامه از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۵۷۷-۵۹۰) به نزد ائمه علیهم‌السلام است. امانت‌های غیر ظاهر، مانند هیبت موسی، صبر ایوب و حکم داود، که برای امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ذکر شده است (خزاز، ۱۴۰۱: ص ۴۳). در اینجا ودایع ظاهر مراد است نه غیر ظاهر؛ زیرا هیچ یک از مردم عادی به امور غیر ظاهری علم ندارد تا بتوان از طریق آن برای امامت افراد احتجاج کرد. برخی از این اشیا مثل تابوت سکینه حضرت موسی علیه‌السلام پرچم و شمشیر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارای آثار تکوینی خاصی است^۱ و همین امر موجب می‌شود کسی نتواند به دروغ ادعا کند که آن‌ها را

۱. «تابوت سکینه» موجب آرامش و اطمینان است: «التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ» (بقره: ۲۴۸) و بوی خوش بهشتی در آن وجود دارد (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۶، ص ۶۰۸). پرچمی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جنگ‌ها به همراه داشت، موجب غلبه بر دشمن و پیروزی آفرین است. «وَإِنَّ عُنْدِي لَرَأْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَغْلَبَةَ» (همان: ج ۱، ص ۵۷۹). همچنین امام صادق علیه‌السلام درباره شمشیر پیامبر فرمود: «لَوْ وُضِعَ عِنْدَ شَرِّ خَلْقِ اللَّهِ لَكَانَ خَيْرَهُمْ» (همان، ص ۵۸۱).

دارد. با توجه به این که این ودایع، به امام اختصاص دارد^۱، می توان آن ها را به عنوان نشانه و راهی برای شناخت امام دانست. ائمه علیهم السلام از همین طریق به امامت خویش احتجاج کرده اند (صفار، ۱۴۰۴: ص ۱۷۵). امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از قتل عمر برای امامت خود به وجود سلاح و انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نزد خویش احتجاج کرد (همان، ص ۱۸۲).

این ودایع به امام هر عصری اختصاص دارد و اکنون در دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. او میراث دار انبیا و ائمه علیهم السلام است (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۵۷۵ و حلی، ۱۴۲۱: ص ۴۵۳). از همین طریق می توان به امامت ایشان پی برد.

۶. جایگاه نشانه های ظهور در تشخیص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

برخی از نویسندگان با فرض عدم مدعی دروغین مهدویت در بازه زمانی بین تحقق علائم، و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (آیتی، ۱۳۹۸: ب: ص ۱۷)، نشانه های ظهور را معیاری برای شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر کرده اند (همان، ص ۱۵). لکن نشانه ها و علائم ظهور نمی تواند راهی برای شناخت شخص امام باشد؛ زیرا هنگام ظهور و با تحقق نشانه های ظهور نیز امکان ادعای مدعیان دروغین وجود دارد. برداشت نویسنده پیش گفته از روایات، دقیق نیست؛ زیرا روایات مورد استناد نویسنده، در مقام توصیف هنگامه ظهور است و امری مثل صیحه (ندای آسمانی) - که نویسنده بر آن تأکید دارد- برای معرفی جبهه حق و تمییز آن از جبهه مقابل و در برابر صیحه شیطانی است؛ اما در صدد معرفی شخص امام نیست؛ زیرا اگرچه در صیحه آسمانی به اسم شریف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نام پدر و مادر ایشان ندا داده می شود (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۸۲)؛ تطبیقی صورت نمی گیرد و شخص خاصی معرفی نمی شود؛ بلکه شخصیت امام معرفی می گردد. بنابراین، باید تشخیص امام از راه های دیگری که پیش تر اشاره شد، صورت بگیرد.



۱. روایاتی مثل امانت گذاشتن ودایع امامت نزد ام سلمه (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۳۶ و همان، ج ۱، ص ۵۸۴ - ۵۸۵)؛ اختصاص این

امانات به ائمه علیهم السلام را نفی نمی کند؛ بلکه صرفاً به عنوان امانت و حفظ و نگهداری آن ها، به دیگران سپرده شده است.

به عبارت دیگر، با توجه به تقسیمی که پیش از این در نص گفته شد؛ این صیحه و ندای آسمانی ذیل نص بر اسم امام قرار می‌گیرد و نصی از جانب خدای متعال برای معرفی امام است؛ اما این ندا مصداق امام را تعیین نمی‌کند. باید راهی دیگر برای شناخت شخص امام در پیش گرفت؛ چنان که در نص اسمی بر سایر ائمه علیهم‌السلام نیز باید از راه دیگر شخص امام را شناخت. بنابراین آنچه ذکر شد، تعیین و معرفی امام در گرو هدایت و ارشاد آسمانی است؛ زیرا امکانات منبع معرفتی توده مردم به اندازه‌ای نیست که بتوانند امام را تعیین کنند و بشناسند. اگر نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به عنوان امام معرفی می‌کند، به این دلیل است که از طریق وحی و الهام الاهی، راز هستی و سرّ غیب را می‌داند (یثربی، ۱۳۸۵: ص ۲۳۲).

یکی از نویسندگان معاصر اصل نیازمندی تعیین و معرفی امام به وحی الاهی را از دیدگاه حکمت متعالیه چنین تبیین کرده‌است:

در سیر صعودی وجود، دارندگان مقام برتر، از مقامات پایین آگاهند و این آگاهی، یا به صورت «ترقی»، یعنی سیر سلوکی و موقعیت محبی است و یا به صورت «تدلی»، یعنی سیر از حق به خلق و با موقعیت محبوبی است. به هر حال چنان که مقامات پایین توان اشراف و احاطه به مقامات بالا را ندارند؛ اما مقامات بالا از اشراف و احاطه به مقامات پایین به دور نیستند و چون امام نسبت به امت در برترین درجه وجودی قرار دارد اشراف و احاطه امت بر مقام و منزلت وی ممکن نیست. لذا باید او را مقامی برتر، یعنی خدا یا پیامبر خدا معرفی نماید (همان، ص ۲۳۳).

ویژگی‌هایی مثل عصمت، طهارت مولد، محدّث بودن، اعلمیت، سخاوت، شجاعت و مؤید بودن به روح القدس که در روایات به عنوان علائم و نشانه‌های امام ذکر شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۴۱۸ و کلینی ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۷۱۰)؛ به مقام ثبوت و واقع ناظر است و نمی‌توان از آن‌ها برای تشخیص امام حق بهره برد؛ زیرا آن‌ها از امور خفی هستند و علم به آن‌ها نیازمند معیارهای ظاهری است. به همین سبب ائمه علیهم‌السلام مخفی بودن عصمت را دلیل ضرورت نص در امامت دانسته‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۳۲).

بعضی از نویسندگان به تفکیک بین مقام ثبوت و اثبات در صفات امام توجه نکرده و اموری مثل عصمت و شجاعت را از معیارهای تشخیص امام تلقی کرده‌اند (شهبازیان، ۱۴۰۱: ص ۱۲۸ و ۳۴۸) و تحلیل ویژگی‌های امام در مقام ثبوت را مشکل دانسته و در پذیرش آن‌ها به احتیاط



توصیه می‌کنند (همان، ص ۴۰۵). در نهایت نسبت به پذیرش آن‌ها بی میلی نشان داده و این صفات را در مقام جدل و برای مقابله با مدعیان دروغین مفید می‌دانند (همان).

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، این‌که هیچ‌یک از موارد فوق در مسئله تشخیص امام موضوعیت ندارد، بلکه همه آن‌ها طریقی برای شناخت شخص امام است؛ اگرچه برخی از آن‌ها مثل عصمت و افضلیت در اصل امامت موضوعیت دارد و از دیدگاه شیعه این معیارها برای امام لازم و ضروری است (شریف مرتضی، ۱۴۱۱: ص ۴۲۹). بنابراین، هر یک از این راه‌ها به عنوان طریقی مستقل می‌تواند ما را به شناخت امام برساند و به کارگیری همه راه‌ها برای تشخیص امام لازم نیست. تعدد راه‌ها برای این است که هر کس به اقتضای میل خود، از راه‌های موجود و قابل دسترس، مصداق امام را بشناسد. چنان‌که در بحث معجزه گذشت که اهل معرفت و خواص به معجزات قولی رغبت بیش‌تری دارند؛ ولی تمایل عامه مردم به معجزات فعلی است (طوسی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۳۷۲ و سبزواری، ۱۳۸۳: ص ۴۷۴).

موارد مذکور به عنوان راه‌های تشخیص امام بیان شده است. البته که نباید راه‌ها را منحصر به موارد مذکور، منحصر دانست؛ زیرا از طرق معتبر دیگری نیز می‌توان به معرفت شخص امام نایل آمد. مثلاً اگر شهود صحیحی در جهت شناخت شخص امام حاصل شود، بعد از عرضه آن به عقل قطعی و نقل معصوم، می‌توان شهود را در کنار راه‌های دیگر تشخیص امام قرار داد. البته این راه به مقدمات زیادی نیاز دارد و برای خواص اهل معرفت ممکن است و عموم مردم راهی به آن ندارند.

بنابر آنچه گفته شد، مطلب بعضی از نویسندگان، مبنی بر این‌که درخشش و وضوحی که به دلیل آراستگی به فضایل روحی و کمالات علمی در شخص امام است، اساسی‌ترین مسیر برای شناخت امام است و با وجود این مسیر، به راه و معیار برای شناخت امام نیازی نیست؛ مگر در مواردی که فضا غبار آلود و امر بر مردم مشتبه گردد (آیتی، ۱۳۹۸: ص ۲۰)؛ مورد تأمل و اشکال است؛ زیرا آگاهی از این کمالات و فضایل انسانی به علم به حقیقت انسان‌ها نیازمند است و این سنخ علم از دسترس افراد عادی خارج است و اگر هم شناختی حاصل شود با یکی از راه‌های مذکور صورت گرفته و بدون بهره‌گیری از این راه‌ها نمی‌توان به معرفت شخص امام نایل آمد.



نتیجه گیری

از مطالب پیش گفته می توان دریافت که تشخیص امام از چند طریق امکان پذیر است: نص، اعجاز، علم غیب و ودایع امامت. از میان معیارهای مذکور، نص عینی به عصر حضور اختصاص دارد؛ در حالی که موارد دیگر در عصر غیبت نیز قابل استناد هستند.

با این حال، راه های مذکور در مسئله شناخت شخص امام، موضوعیت ندارند و نمی توان آن ها را به عنوان تنها شیوه های ممکن در نظر گرفت، زیرا هدف از به کارگیری این معیارها، شناخت شخص امام است. از این رو، می توان راه دیگری، مثل شهود قلبی را در صورتی که شهود صحیح حاصل شود و با معیارهای عقل قطعی و اصول شرعی و موازین دینی مطابقت داشته باشد؛ نیز به عنوان راهی معتبر برای شناخت برشمرد.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که راه های تشخیص امام در مسئله شناخت شخص امام، اگرچه «مانعة الجمع» نیستند، یعنی استفاده همزمان از چند روش ممکن است؛ اما «مانعة الخلو» محسوب می شوند. به عبارت دیگر، هرچند می توان در فرآیند شناخت امام از تمامی این راه ها بهره برد؛ اما نمی توان همه آن ها را نادیده گرفت و در عین حال دستیابی به شناخت صحیح را انتظار داشت.

ویژگی هایی مانند افضلیت و عصمت، اگرچه از شرایط ضروری امامت محسوب می شوند، به عنوان معیارهای تشخیصی قابل استفاده نیستند؛ زیرا این صفات، اموری باطنی و غیرقابل مشاهده و صرفاً از طریق نص یا معجزه قابل اثبات هستند. در نتیجه، شناخت این ویژگی ها خود بر دلایل دیگری متوقف است، و نمی تواند به تنهایی به عنوان راهی مستقل برای شناسایی امام معصوم مورد استناد قرار بگیرد.

در نهایت شناخت امام به تمسک به معیارهایی نیازمند است که از طریق وحی و عقل سلیم معرفی شده و امکان معرفت شخص امام را فراهم آورده اند.



منابع

- قرآن کریم.

۱. آیتی، نصرت الله (پاییز ۱۳۹۸ الف). *درآمدی بر معیارهای شناخت امام*، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
۲. _____ (زمستان ۱۳۹۸ ب). *معیارهای شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الصواب در هنگامه ظهور*، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال سیزدهم، شماره ۵۲.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). *الامالی*، تهران، کتابچی.
۴. _____ (۱۳۸۵). *علل الشرایع*، قم، کتابفروشی داوری.
۵. _____ (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تصحیح: لاجوردی، مهدی، تهران، نشر جهان.
۶. _____ (۱۴۰۳). *معانی الاخبار*، تصحیح: غفاری، علی اکبر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۷. _____ (۱۴۱۳ ق). *من لایحضره الفقیه*، تحقیق: غفاری، علی اکبر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۸. _____ (۱۴۱۸ ق). *الهدایة فی الاصول والفروع*، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام*، قم، انتشارات علامه.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۰). *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، قم، خیام.
۱۱. برقی، أحمد بن محمد (۱۳۷۱). *المحاسن*، تحقیق: محدث ارموی، جلال الدین، قم، دارالکتب الإسلامیة.
۱۲. بحرانی، ابن میثم (۱۴۰۶ ق). *قواعد المرام فی علم الکلام*، تحقیق: حسینی، سید احمد، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۳. ثعلبی، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ ق). *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*، تحقیق: ابن عاشور، ابو محمد، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). *امام مهدی موجود موعود*، تنظیم: مخبر، سید محمد حسن، اسراء، قم.
۱۵. _____ (۱۳۸۶). *سرچشمه اندیشه*، تنظیم: رحیمیان محقق، عباس، قم، اسراء.



۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۲ق). *اثبات الهداة بالانصوص والمعجزات*، تقدیم: المرعشی النجفی، السيد شهاب الدين، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
۱۷. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۹۲). *نهج الولاية: بررسی مستند در شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف*، قم، نشر الف. لام. میم.
۱۸. حسینی میلانی، سید علی (۱۳۹۰). *جواهر الكلام فی معرفة الامامة والامام*، قم، الحقائق.
۱۹. حلبی شافعی، ابوالفرج (۱۴۲۷ق). *السيرة الحلبيّة*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۰. حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۴ق). *تقریب المعارف*، تحقیق: تبریزیان، فارس الحسنون، قم، الهادی.
۲۱. حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۱۴ق). *المسلك فی أصول الدين*، محقق: استادی، رضا، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۲. حلّی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق). *مختصر البصائر*، تصحیح: مشتاق، مظفر، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۳. حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۶۳). *أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت*، محقق: نجمی زنجانی، محمد، قم، الشریف الرضی.
۲۴. _____ (۱۹۸۲م). *نهج الحق وکشف الصدق*، تعلیق: حسینی أرموی، عین الله، بیروت، دارالکتاب اللبنانی.
۲۵. حمصی رازی، سدید الدین (۱۴۱۲ق). *المنقذ من التقليد*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۲۶. حمیری، ابن هشام (۱۹۶۳م). *السيرة النبویة*، تحقیق: عبدالحمید، محمد محی الدین، قاهرة، مكتبة محمد علی صبیح و اولاده.
۲۷. الخباز القطیفی، سید ضیاء (۱۳۹۵). *المهدویة الخاتمة: فوق زيف الدعوى و تضلیل الادعاء*، تقریر: معروفی، عبدالله سعد، قم، دار زین العابدین.
۲۸. خزاز، علی بن محمد (۱۴۰۱). *کفایة الاثر*، تحقیق: حسینی کوهکمری، عبداللطیف، قم، بیدار.
۲۹. دمشقی، ابن کثیر (۱۹۷۱م). *السيرة النبویة*، تحقیق: عبدالواحد، مصطفی، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۰. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق). *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۳۱. سبزواری، ملاهادی (۱۳۸۳). *اسرار الحكم*، تصحیح: فیضی کریم، قم، مطبوعات دینی.

۳۲. سیوری، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۵ق). *إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين*، تحقیق: رجایی، سید مهدی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۳. _____ (۱۴۲۰ق). *الأنوار الجلالیة فی شرح الفصول النصیریة*، تحقیق، حاجی آبادی، علی، و جلالی نیا، عباس، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة.
۳۴. _____ (۱۴۲۲ق). *اللوامع الالهیة فی المباحث الكلامیة*، تحقیق و تعلیق: قاضی طباطبایی، سید محمد علی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۵. شبر، سید عبدالله (۱۴۲۴ق). *حقّ الیقین فی معرفة أصول الدین*، قم، انوار الهدی.
۳۶. شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۸ق). *تنزیه الأنبیاء والأئمة*، قم، الشریف الرضی.
۳۷. _____ (۱۴۱۱ق). *الذخیره فی علم الکلام*، تحقیق: حسینی، سید احمد، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة.
۳۸. _____ (۱۴۱۰ق). *الشافی فی الإمامة*، تحقیق: حسینی خطیب، سید عبدالزهراء، قم، مؤسسة اسماعیلیان.
۳۹. _____ (۱۴۱۹ق). *المقنع فی الغیبة*، تحقیق: الحکیم، السید محمد علی، بیروت، مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث.
۴۰. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۶۷). *الصوارم المهرقة فی الرد علی الصواعق المحرقة*، تحقیق: حسینی، جلال الدین، تهران، انتشارات نهضت.
۴۱. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (۱۳۶۴). *الملل والنحل*، تحقیق: بدران، محمد، قم، الشریف الرضی.
۴۲. شهبازیان، محمد (۱۴۰۱). *معیارهای شناسایی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشرف و تمایز آن از مدعیان دروغین*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلى الله عليه وآله.
۴۳. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۱). *سلسله مباحث امامت و مهدویت*، قم، واحد بین الملل دفتر حضرت آیت الله صافی گلپایگانی.
۴۴. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات*، تصحیح و تعلیق: کوجه باغی، محسن، قم، مکتبة آية الله المرعشی النجفی.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۶ق). *الإقتصاد فیما يتعلق بالإعتقاد*، بیروت، دارالأضواء.
۴۶. _____ (۱۳۸۲). *تلخیص الشافی*، تحقیق: بحر العلوم، حسین، قم، انتشارات المحبیین.

۴۷. _____ (۱۳۹۹). *اختیار معرفة الرجال*، تعليق: میرداماد، تصحيح: رجائی، سید مهدی، قم، الانساب.
۴۸. طوسی، نصیرالدین (۱۳۷۵). *شرح الاشارات والتنبيهات*، قم، نشر البلاغة.
۴۹. _____ (۱۴۱۳ق). *قواعد العقائد*، تحقیق و تعليق: خازم، علی حسن، بیروت، دارالغربية.
۵۰. عبیدلی، سید عمید الدین (۱۳۸۱). *إشراق اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت*، تصحيح: ضیایی، علی اکبر، تهران، میراث مکتوب.
۵۱. عکبری بغدادی، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق الف). *أوائل المقالات فی المذاهب والمختارات*، تحقیق: انصاری، ابراهیم، تعليق: زنجانی، فضل الله، و واعظ چزندابی، عباسقلی، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
۵۲. _____ (۱۴۱۳ق ب). *الفصول العشرة فی الغيبة*، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
۵۳. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*، تحقیق: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران، المطبعة العلمية.
۵۴. قمی، میرزا ابوالقاسم (بی تا). *رساله اصول دین*، نسخ خطی مجلس شورای ملی به شماره فهرست ۱۰۲۹۳.
۵۵. کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۴۱۳). *أصل الشیعة و اصولها*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). *الکافی*، تحقیق و تصحيح: دارالحدیث، قم، دارالحدیث.
۵۷. لاهیجی، ملا عبدالرزاق (۱۳۸۳). *گوهر مراد*، تصحيح و تحقیق: مؤسسه تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، تعليق: ربانی گلپایگانی، علی، تهران، سایه.
۵۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۵۹. _____ (بی تا). *حق الیقین*، تهران، انتشارات اسلامیه.
۶۰. مظفر، محمد حسن (۱۴۲۲ق). *دلائل الصدق لنهج الحق*، تقديم: حسینی میلانی، سید علی، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۶۱. میرداماد، محمدباقر (۱۳۶۷). *القبسات*، به اهتمام: محقق، مهدی و دیگران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶۲. نباتی بیاضی، علی بن یونس (۸۳۸۴). *الصرط المستقیم إلى مستحقى التقديم*، تحقیق: بهبودی، محمدباقر، تهران، مکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفرية.
۶۳. نعمانی، ابن ابی زینب (۱۳۹۷). *الغیبة*، تحقیق: غفاری، علی اکبر، تهران، نشر صدوق.
۶۴. یثربی، سید یحیی (۱۳۸۵). *فلسفه امامت با دو رویکرد فلسفی و عرفانی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.